

آموزش سبک زندگی، زیرگونه‌ای در ادبیات تعلیمی

پیکره پژوهش: نشریات سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۲۰

محمد رضا حاجی آقابابایی*

چکیده

سبک زندگی و مسائل مرتبط با آن از موضوعاتی است که از دیرباز در متون تعلیمی ادبیات فارسی به آن توجه شده است و از آن گاهی با عنوان «سیاست منزل» یا «تدبیر منزل» یاد کرده‌اند. از اواخر عصر قاجار توجه به مسائلی همچون سبک زندگی و آموزش شیوه زندگی رونق می‌گیرد و گویی بار دیگر ادبیات تعلیمی به سبک و شیوه‌ای تازه رواج می‌یابد. در پژوهش حاضر، نشریات اواخر عصر قاجار و دوره پهلوی اول بررسی و مقالات مربوط به سبک زندگی و نظریات موافقان و مخالفان تحلیل شده است. از مهم‌ترین موضوعاتی که مطبوعات به آن پرداخته‌اند، می‌توان به زندگی اجتماعی، آداب معاشرت، اصول خانه‌داری، سلامت جسمانی و طرز پوشش اشاره کرد. با بررسی مطالبی که درباره سبک زندگی در نشریات اواخر عصر قاجار و دوره پهلوی اول منتشر شده است می‌توان به این نتیجه رسید که حرکت به سمت‌وسوی تجدد در عرصه‌های مختلف تبلیغ شده و الگوهای غربی به‌منزله نمونه‌های برتر سبک زندگی به جامعه ایرانی معرفی شده است؛ هرچند در پاره‌ای از موارد، این الگوها سنخیت چندانی با سبک زندگی ایرانیان و فرهنگ جامعه ایرانی ندارد. نکته دیگر آنکه، گویی فقط زنان باید در زمینه فراگیری سبک زندگی آموزش ببینند و مردان از این‌گونه آموزش‌ها بی‌نیازند. این امر برخاسته از دیدگاه‌های فرهنگی حاکم بر جامعه ایران در آن روزگار است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تعلیمی، سبک زندگی، مطبوعات، دوره قاجار و پهلوی.

*دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، hajibaba@atu.ac.i



تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۳۰

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۱، شماره ۹۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۸۳-۱۱۰

Life Style Instruction, a Subgenre of Didactic Literature: A study of periodicals from 1911 to 1941

Mohammad Reza Haji Aqababaei*

Abstract

Life style and its relevant issues are among the subjects that have been paid attention to in the didactic texts of Persian Literature for a long time and which have sometimes been called as 'household policy' or 'household management'. Since the late Qajar era, attention to issues such as life style and its instruction was booming and it seemed that didactic literature became widespread with a new style and technique. In the present study, periodicals of the late Qajar and the first Pahlavi eras were reviewed and articles related to life style issues as well as comments made by their pros and cons were analyzed. Among the most important subjects discussed in the periodicals mention can be made of social life, arranging formalities, house management principles, physical health and clothing etiquette. Through reviewing published topics about life style in the late Qajar and the first Pahlavi eras, it can be concluded that movement towards modernity was advertized in different areas and western models were introduced to the Iranian society as superior examples of life style. However, in some cases these models were not much compatible with the Iranian life style and the culture of Iranian society. On the other hand, it seems that only women were to be instructed in life style and men did not require such teachings. This was due to the dominant cultural views of the then Iranian society.

Keywords: Didactic Literature, Life Style, Periodicals, Qajar and Pahlavi Eras.

* Associate Professor in Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, hajibaba@atu.ac.ir

۱. مقدمه

منظور از سبک زندگی مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که فراگرفتن آنها سبب می‌شود تا افراد جامعه بتوانند بهتر به زیست فردی و اجتماعی خود ادامه دهند یا خود را با گفتمان‌های موجود در جامعه همراه کنند. این اصول گاهی از طریق دین، فرهنگ و اجتماع بازگو می‌شود و گاهی دولت‌ها یا نظام‌های ایدئولوژیک یا افراد سرشناس مبلغان آن به‌شمار می‌آیند. سبک زندگی، با توجه به نوع ایدئولوژی حاکم بر جامعه، وضعیت اقتصادی و فرهنگی و نیز مناسبات سیاسی کشورها، در هر دوره ممکن است دگرگون شود.

در میان متون ادبیات فارسی، آثار گوناگونی به‌صورت مستقیم یا در میان مطالب دیگر درباره سبک زندگی بحث کرده‌اند و گاهی با عنوان «سیاست منزل» یا «تدبیر منزل» از آن یاد کرده‌اند. از مهم‌ترین این کتاب‌ها می‌توان به *قابوس‌نامه* عنصرالمعالی، *کیمیای سعادت* غزالی، *اخلاق ناصری* خواجه نصیرالدین طوسی، *آیین شهرداری ابن‌اخوه*، *اخلاق جلالی* جلال‌الدین دوانی و آثاری از این دست اشاره کرد که از مهم‌ترین آثار ادبیات تعلیمی به‌شمار می‌آیند و به اخلاق فردی و اجتماعی افراد پرداخته‌اند. گاهی مسائل رفتاری و سبک زندگی نیز در حوزه‌های مختلف مورد توجه نویسندگان این‌گونه آثار قرار گرفته است.

از اواخر عصر قاجار، با گسترش تحولات در عرصه‌های گوناگون، مسائلی همچون سبک زندگی و آموزش شیوه زندگی در جامعه‌ای که سعی می‌کند چهره‌ای متفاوت با گذشته به خود بگیرد، از مهم‌ترین موضوعاتی است که در متون تربیتی و مطبوعات اواخر عصر قاجار و دوره پهلوی اول منتشر می‌شود؛ مسائلی همچون حضور زنان در اجتماع، توجه ویژه به آموزش و تحصیل زنان، آموزش معاشرت اجتماعی و رفتارهای فردی، پرداختن به پوشش و آراستگی ظاهری زنان و موضوعاتی از این قبیل، گویی بار دیگر ادبیات تعلیمی به سبک و شیوه‌ای تازه رواج یافته و این بار به‌جای پرداختن به مسائل نظری، بیشتر به اخلاق عملی و چگونگی رفتار انسان‌ها در زمینه‌های مختلف توجه شده است که می‌توان آن را سبک زندگی نامید.

در دوره پهلوی اول، تلاش حکومت و روشنفکران جامعه بر آن بود تا زنان را با دنیای بیرون از خانه آشنا کنند و به ایشان نشان دهند که علاوه بر انجام امور خانه، امکان حضور در اجتماع نیز فراهم است و زنان جایگاه و حقوق ویژه‌ای دارند. به‌نظر ایشان، رمز موفقیت و پیشرفت هر کشوری حضور زنان در عرصه جامعه بود. در مقابل این گروه، گروهی از سنت‌گرایان، حضور

زنان را مایهٔ فساد اخلاقی اجتماع می‌دانستند و برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی معتقد بودند که زنان باید در خانه بمانند و به همان شیوهٔ سنتی به زندگی خود مشغول باشند.

نکتهٔ مهمی که باید به آن اشاره شود، چگونگی بهره‌گیری از گونه‌ها و شگردهای ادبی در بیان آموزه‌های رفتاری و مطالب مرتبط با سبک زندگی فردی و اجتماعی است. در این مقاله، با بررسی مطبوعات، به تبیین شیوه‌های استفاده از ادبیات در آموزش مسائل تعلیمی و روش‌های اقناع مخاطب پرداخته شده است.

در پژوهش حاضر، نشریات عمومی و تخصصی اواخر عصر قاجار و دورهٔ پهلوی اول (۱۲۹۰-۱۳۲۰ هجری) به روش تحلیلی-تاریخی بررسی شده و مقالات مربوط به سبک زندگی و نظریات موافقان و مخالفان در این زمینه تحت تحلیل قرار گرفته است.

۱.۱. پیشینهٔ پژوهش

نوع نگاه به زنان از موضوعات مهم در مباحث ادبی و اجتماعی است که با وجود پژوهش‌های گوناگون، همچنان نیازمند بررسی از ابعاد گوناگون است. طبق جست‌وجوی صورت‌گرفته، پژوهش‌های چندی دربارهٔ سبک زندگی و ضرورت حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی صورت گرفته است که مهم‌ترین آنها معرفی می‌شوند: در مقالهٔ «تدبیر منزل در اخلاق ناصری و اخلاق جلالی»، موضوع رسیدگی به امور منزل در دو اثر ذکر شده بررسی شده است (امیری خراسانی و همکاران، ۱۳۹۶). نویسندگان مقالهٔ «اجتماعی شدن زنان در عصر پهلوی اول؛ امکان یا امتناع» نخست به بررسی امکانات و شرایط اجتماعی برای حضور زنان در جامعه پرداخته‌اند و پس از آن موضوع عدم پذیرش حضور زنان در نگاه گروه‌های مختلف اجتماعی بررسی شده است (رستمی و ثواقب، ۱۳۹۸). در مقالهٔ «نگاهی به موقعیت زنان ایران در دورهٔ پهلوی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ ش»، وضعیت زنان ایران در بازهٔ زمانی ۳۲ از زمان سلطنت رضاشاه تا زمان سلطنت محمدرضا پهلوی با تأکید بر مسائل اجتماعی بررسی شده است (عباسی و موسوی، ۱۳۹۳). «تأثیر سیاست‌های فرهنگی پهلوی بر بروز بحران هویت زن ایرانی (با تکیه بر نظریهٔ تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان)» به موضوع اصلاحات فرهنگی رژیم پهلوی از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی پرداخته است (سیاوشی و زیویار، ۱۳۹۵). در مقالهٔ «بررسی آموزه‌های تعلیمی در نخستین مطبوعات تخصصی زنان»، نویسندگان با بررسی نشریات تخصصی زنان که در اواخر عصر قاجار منتشر می‌شدند موضوعات تعلیمی را بررسی کرده و به چگونگی استفاده از گونه‌های ادبی در آموزش زنان پرداخته‌اند (حاجی‌آقابابایی و

صالحی، ۱۳۹۸). با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، دربارهٔ موضوع آموزش سبک زندگی پژوهشی صورت نگرفته است.

۲. بحث و بررسی

پس از انقلاب مشروطه، دگرگونی‌های فراوانی در مناسبات اجتماعی و فرهنگی جامعه رخ داد. با به‌قدرت‌رسیدن رضاشاه، اگرچه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی مهیا نبود، تلاش فراوانی صورت گرفت تا جامعهٔ ایرانی به سمت‌وسوی جامعهٔ مدرن حرکت کند. تلاش حکومت بر آن بود که تغییرات قابل توجهی در سبک زندگی مردم ایجاد شود. مواردی همچون استخدام زنان در مشاغل دولتی، توجه به آموزش دختران، تلاش برای ایجاد تغییر در پوشش مردان و زنان و همچنین تغییر ذائقهٔ فرهنگی و هنری و اقتصادی مردم از جملهٔ این تلاش‌ها به‌شمار می‌آید. در کنار تلاش‌های حکومت برای تغییر سبک زندگی مردم، مطبوعات نیز به این موضوع توجه ویژه نشان دادند و موافقان و مخالفان از این ابزار برای بیان دیدگاه‌های خود بهره گرفتند. با بررسی مطبوعات در بازهٔ زمانی پژوهش، مشخص شد که مسائل مرتبط با سبک زندگی بیشتر در پنج بخش اصول زندگی اجتماعی، آداب معاشرت، آموزش خانه‌داری و تدبیر منزل، حفظ سلامتی و مد و لباس موردتوجه بوده است. نویسندگان تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف، همچون به‌کارگیری گونه‌ها و شگردهای ادبی، تأثیر مطلوبی بر خوانندگان بگذارند.

۲.۱. آموزش اصول زندگی اجتماعی

با انقلاب مشروطه و در پی آن با روی کار آمدن رژیم پهلوی، جامعهٔ ایران برای نخستین بار با مسئلهٔ تجدد و مدرنیزاسیون مواجه شد. یکی از موضوعات مهمی که مبلغان اندیشهٔ تجدد در آن دوره به‌شدت تبلیغ می‌کردند، لزوم حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی بود؛ از این رو، پرداختن به موضوع آموزش دختران و زنان و تحصیل ایشان بسیار مورد توجه بود؛ زیرا هم می‌توانستند در صورت باسوادبودن نسلی خوب تربیت کنند و نیز قابلیت داشتند در جایگاه نیروی کار به فعالیت بپردازند.

با بررسی مقالات منتشرشده دربارهٔ حضور زنان در عرصهٔ اجتماع، می‌توان شاهد یک سیر تحول بود. در سال‌های ابتدایی، موضوع عمدهٔ مقالات گلابه از وضعیت حاکم است و معمولاً نویسندگان از اینکه جامعه تلاشی برای حق تحصیل زنان نمی‌کند ناراضی‌اند، اما رفته‌رفته تعداد

مدارس دخترانه افزایش می‌یابد و بخش قابل توجهی از زنان و دختران تحصیل می‌کنند. مطالبی که دختران باید بیاموزند به ایشان گوشزد می‌شود و شغل‌های مناسب بانوان معرفی می‌شود. مقالات این بخش را می‌توان در سه دسته بررسی کرد: نخست، مقالات نظری که به اهمیت تحصیل زنان و موانع آن پرداخته‌اند. دوم، مقالاتی که به موضوع اخلاق اجتماعی اختصاص دارد و هدف آن اصلاح رفتار زنان و مردان است؛ سوم، مقالاتی که به معرفی زنان غربی اختصاص دارد و هدفشان نشان‌دادن الگویی مناسب برای زن ایرانی است.

کاظم‌زاده ایرانشهر در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات» که در سال ۱۳۴۰ قمری در نشریه *ایران‌شهر* منتشر کرده، از وضعیت زنان ابراز ناراحتی کرده است. او از اینکه زنان از حق طبیعی خود محروم‌اند ناراضی است و تحصیل را برای آنکه زنان زیردست مردان قرار نگیرند، حق قانونی ایشان می‌داند. ایرانشهر برای نشان‌دادن یکی از زنانی که ذوق و قریحه‌اش اسیر تصمیمات مردان نشده است، مختصری درباره مهستی گنجوی می‌نگارد و شعری از او را نمونه می‌آورد (کاظم‌زاده، ۱۳۴۰ق: ۴-۵).

شمس کسمایی نیز با انتشار شعری در نشریه *جهان زنان*، علت بدبختی اجتماعی زنان ایرانی را برخاسته از عدم تربیت زنان می‌داند.

نسوان مسلمان‌شده چون نقش به دیوار	از وضع زمان بی‌خبر و بی‌حس و بی‌کار
دوشیزه ایران عقب از قافله علم	در پیش رهت بادیه بی‌آب و پر از خار
در قرن تو هم جنس تو، چون مرغ به پرواز	تو همچو بهایم سر خود داده به افسار...
این جامه خفت بکن از فخر به سر نه	آن تاج کیانی که تو را هست سزاوار
هشدار اگر امت خاصی به حقیقت	اسلام‌پرستی نبود پستی افکار

(کسمایی، ۱۳۴۰ق: ۹۲)

اشرف تبریزی در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت مردها در تربیت زنان» علت ترقی و پیشرفت زنان فرنگی را تلاش ایشان در تعلیم و تربیت زنان دانسته است. او معتقد است تا مردان تربیت نشوند و به زنان و دختران نگاهی برابر با مردان و پسران نداشته باشند، ایران در مسیر پیشرفت و ترقی گام بر نخواهد داشت. «مردان امروزی ایران هنوز در همان عقاید قدیم و رسوم دیرین باقی مانده و خیال می‌کنند که زن نسبت به مرد وجودی است بی‌اهمیت و لیاقت و هرگز قادر به تحمل بار مسئولیت امور اداری و اجتماعی نیستند» (تبریزی، ۱۳۴۰ق: ۳۷۲).

نویسنده مقاله‌ای دیگر با عنوان «ایران‌شهر» معتقد است که زنان باید جلسات هفتگی تشکیل دهند و درباره مسائلی از این دست صحبت کنند:

تربیت کردن بچه‌های نوزاد، حفظ صحت زن‌های باردار، چگونگی و فواید نظافت، رفع بعضی از امراض که از ناتمیزی و کثافت حاصل می‌شود، شرایط اساسی خانه‌داری و بچه‌داری، ضررهای عادات و اوهام از قبیل طلسم و مراجعت به فالگیر و جن‌گیر و رمال و درویش و غیره، وسایل نگهداری محبت و الفت میان زن و شوهر، وظایف زن نسبت به شوهر و اولاد خویش و اقربا، چگونه می‌توان عادات زشت و نامناسب خواستگاری و نامزدی و عروسی را اصلاح و تغییر داد و... (کاظم‌زاده، ۱۳۰۴: ۴۲۷).

او همچنین پیشنهاد می‌کند که زنان کلاس‌های سوادآموزی تشکیل دهند تا زنان بیشتری از نعمت تحصیل بهره‌مند شوند و نیز دربارهٔ «تشویق و ترغیب زن‌ها به ترک کردن زینت‌ها و آرایش‌های بی‌لزوم و به قناعت در مخارج و مخصوصاً به دورانداختن زینت‌ها و اسباب تجمل که از اروپا وارد می‌شود» بحث می‌کند (همان).

از دیگر مقالاتی که دربارهٔ موضوع تحصیل زنان منتشر شده است می‌توان به مقالهٔ «لزوم تعلیم زنان» اشاره کرد که در سال ۱۳۴۰ قمری در نشریهٔ *جهان زنان* منتشر شده است. نویسنده علاوه بر لزوم گسترش مدارس ویژهٔ دختران پیشنهاد می‌کند که کلاس‌های آشپزی، خیاطی، خانه‌داری و تربیت فرزندان نیز راه‌اندازی شود و نیز انتشار یک روزنامه که سبک زندگی صحیح را به زنان آموزش دهد از نظر او بسیار ضروری است (رفعت‌زاده، ۱۳۴۰ق: ۹۶). در مقاله‌ای با عنوان «علم و اخلاق در مدرسهٔ دخترانه»، که در سال ۱۳۰۶ در نشریهٔ *آینده* منتشر شده است، نویسنده از وضعیت موجود تعلیم و تربیت گله‌مند است. به نظر او، بیشتر از تحصیلات، اخلاق برای بانوان مهم است و امروزه زنان و مردان با اندک سوادی که به‌دست آورده‌اند، پیشرفت نکرده‌اند، بلکه سواد مایهٔ فساد و گمراهی ایشان شده است. نویسنده از اینکه مدارس خاص بانوان تأسیس شده است ابراز شادمانی می‌کند، اما درعین حال ناراحت است که چرا به وضعیت این مدارس رسیدگی نمی‌شود (میکده، ۱۳۰۶: ۵۵۴-۵۵۶).

وطن‌پرستی و وطن‌دوستی از دیگر مسائلی است که به نظر اصلاحگران اجتماعی نیاز است که به زنان آموزش داده شود. در مقاله‌ای با عنوان «وطن‌پرستی برای زنان اول وظیفه است» که در سال ۱۳۰۷ در نشریهٔ *خوت* منتشر شد، یکی از اصلی‌ترین وظایف زنان وطن‌پرستی ذکر شده است. به‌نظر نویسنده، اگر مادری، از کودکی، فرزندش را با عشق به وطن تربیت کند، فرزند در آینده در راه اصلاح وطن گام برمی‌دارد (نشاط، ۱۳۰۷: ۲۱).

«اساس ترقی نسوان» از دیگر مقالات در زمینه لزوم تعلیم و تربیت زنان است که در سال ۱۳۰۸ در نشریه *عالم نسوان* منتشر شده است. به نظر نویسنده، مقاله اساس کار ترقی آن است که زنان تعلیم ببینند. به عقیده نویسنده، چون نخستین کسی که طفل از بدو تولد در مقام مربی و همراه می‌بیند مادر است، پس لازم است تا زنان تربیت شوند (پژوهی، ۱۳۰۸: ۵۹-۵۸).

در شماره‌های دیگر از نشریه *عالم نسوان*، از شاعری با نام «پ. ن.» برای تأکید بر موضوع و اهمیت تحصیل دختران در راه پیشرفت کشور، مسمط «ای مرغک» خطاب به دختران چاپ شده که بخشی از آن چنین است:

ای مرغک خرد ز آشیانه	پرواز کن و پریدن آموز
تا کی حرکات کودکانه	در باغ و چمن چمیدن آموز
رام تو نمی‌شود زمانه	رام از چه شدی رمیدن آموز
مندیش که دام هست یا نه	بر مردم چشم دیدن آموز
شو روز به فکر آب و دانه	هنگام شب آرمیدن آموز

از لانه برون مخسب زنهار... (پ. ن، ۱۲۹۹: ۲۵)

«مشاغل نسوان» در سال ۱۳۱۰ در نشریه *عالم نسوان* منتشر شده و نویسنده به موضوع مشاغل مناسب زنان ایرانی پرداخته است. به نظر نویسنده، شغل دفتری کاری مناسب شأن و شخصیت زن ایرانی است. البته برای دریافت چنین شغلی لازم است تا ایشان تحصیلات دوره متوسطه را گذرانده باشند و در کنار آن یک یا دو زبان فرانسه و انگلیسی را بدانند. به نظر نویسنده، سه شغل ماشین‌نویسی، دوم تندنویسی و سوم دفترداری از مشاغل مناسب زنان است. از نظر او، در کنار این مشاغل، نویسندگی شغلی مناسب زن ایرانی است (افشار صادقی، ۱۳۱۰: ۳۱-۳۰).

در مقاله «به دختران ایران» به قلم اسماعیل جاوید، که در سال ۱۳۱۱ در نشریه *دختران ایران* منتشر شده است، نویسنده از مجمعی به نام «نهضت فکر جدید» یاد می‌کند که در آن زنان آلمانی در پی احقاق حقوقشان هستند و افسوس می‌خورد که اگر زن ایرانی بخواهد چنین کاری بکند یا درباره آزادی‌اش نطقی بکند، با مخالفت شدید مردان و چه بسا زنان دیگر روبه‌رو خواهد شد. به نظر او، زن ایرانی، پیش‌ازهرچیز، باید مفهوم استقلال و آزادی را بشناسد؛ «زیرا برای اقدام به یک نهضت اساسی بدو باید به حربه و وسایل آن، که در این مورد یک‌دلی و یک‌فکری زنان ایران است، اعتماد یافت» (جاوید، ۱۳۱۱: ۱۰).

در شعری با عنوان «بیدار شوید»، سروده فرزان میردامادی، که در نشریه عالم نسوان منتشر شده است، شاعر خطاب به دختران ایران زمین می‌گوید که باید از خواب غفلت بیدار شوند و همچون زنان دیگر سرزمین‌ها در مسیر ترقی و پیشرفت حرکت کنند.

بس است خواب گران خواهران من تا چند نگاه داردمان دیو جهل اندر بند
که زنده رانده تن چنین به طوق و کمند برآورم چو منادی ندا به تاک بلند

ز جای برخیزید ای خواهران شتاب کنیم

بسی بوم و بر جهل را خراب کنیم

زنان مغرب و شامات و هند و افریقا نموده شور قیامت در این جهان بریا
شده حقوق طبیعی خویش را جويا دمی شویم بر احوال خویشتن بینا

...

(میردامادی، ۱۲۹۹: ۳۵)

در کنار این مقالات و تلاش‌های اصلاحگران اجتماعی، گروهی نیز بودند که با حضور زنان در اجتماع و حتی تحصیل ایشان مخالف بودند. به نظر این گروه از نویسندگان، حضور زنان در جامعه و قرارگرفتن در کنار مردان سرانجامی جز فساد و تباهی برای زنان ندارد. میرزاحمودخان پوزشی در مقاله‌ای با عنوان «شوهر یا کار، کدام یک برای زنان واجب‌تر است؟»، که در سال ۱۳۱۲ در نشریه باختر منتشر شده، معتقد است که زنان به جای آنکه به فکر کار باشند، باید در خانه بمانند و به ازدواج فکر کنند (پوزشی، ۱۳۱۲: ۷). داستان‌های چندی هم در جهت مخالفت با این نوع نگاه به زن در نشریات آن روزگار منتشر شده است که از آن میان می‌توان به داستانی با عنوان «ایرانی نجیب - ایرانی شیر» اشاره کرد که نویسنده در آن به موضوع ازدواج اجباری دختران نوجوان پرداخته است («ایرانی نجیب»، ۱۳۰۱: ۴۶-۳۷).

سید احمد کسروی در سلسله‌مقالاتی با عنوان «مادران و خواهران ما»، که در مجله پیمان منتشر می‌کرد، به موضوعاتی همچون پوشش زنان، چگونگی حضور ایشان در اجتماع، تحصیل و شغل و حتی کتاب‌هایی که نباید مطالعه کنند پرداخته است. او زنانی را که به کارهای مردانه می‌پردازند کم‌خرد می‌داند. از نظر او، «زن برای بچه‌پروردن و خانه‌نگه‌داشتن و دوختن و پوختن و این‌گونه پیشه‌هاست» (کسروی، ۱۳۱۲: ۲۱). کسروی موافق تأسیس مدارس برای دختران است و به نظرش این کار اروپاییان که برای دختران دبستان باز کرده‌اند، بسیار پسندیده است (کسروی، ۱۳۱۲: ۱۴)، اما به نظر او آموزش دختران با پسران باید متفاوت باشد. به دختران باید

«دستور خانه‌داری و دوختن و پوختن و رشتن و بافتن یاد داد که با این هنرهای خود خانه شوهر را بیاراید و مایه خورسندی او و خویشتن باشد» (کسروی، ۱۳۱۲: ۱۴).

موضوع دانش‌اندوزی و پیشرفت زنان در عرصه‌های گوناگون به صورت داستان‌ها و اشعاری در نشریات آن دوره مطرح شده است. در نشریه *عالم نسوان*، داستانی با عنوان «مناظره» منتشر شده که موضوع آن لزوم ترقی زنان است. در این داستان زنی به نام خوشدل عقیده دارد که زن‌ها به ترقی نیاز دارند و زن دیگری به نام شلخته‌خانم نظری مخالف با او دارد. خوشدل عقیده دارد زن‌های ایرانی باید در اجتماع حضور داشته باشند و در پیشرفت جامعه خود سهیم باشند، ولی شلخته معتقد است که اساساً زنان نباید در امور اجتماعی حضور داشته باشند (چنگیزی، ۱۳۰۰).

در همین نشریه، در داستانی دیگر با عنوان «سرگذشت نویسی» به موضوع عدم رضایت دختران از ازدواج پرداخته شده است. شخصیت اصلی داستان عقیده دارد که هنگام ازدواج، زنان و دختران چون حیوانات به خاطر پول خرید و فروش می‌شوند و اساساً به خواست ایشان توجهی نمی‌شود («سرگذشت نویسی»، ۱۳۰۲: ۳۰).

در نشریه *نامه بانوان* نیز از شعر برای بیان مضامین تعلیمی و لزوم پیشرفت زنان و برخورداری ایشان از حقوق اجتماعی استفاده شده است. نکته جالب آن است که شاعر این اشعار منحصراً زنان نیستند، بلکه بعضی از مردان نیز با این موضوعات همراهی کرده‌اند.

ای هموطنان گرچه ندارید مجال	در تربیت زنان کنید استعجال
زیرا که توان نمود اثبات رجال	در سایه تربیت زربات حجال

(شیخ‌الرئیس، ۱۲۹۹: ۴)

دسته‌ای دیگر از مقالات، درباره آموزش رفتارها و اخلاق اجتماعی و انتقاد از عملکرد ناپسند افراد در حوزه اخلاق اجتماعی است. مقاله «اسراف» از مقالاتی است که به اخلاق اجتماعی می‌پردازد. به نظر نویسنده، اسراف ممکن است مقدمه فحشا باشد. «شخص زن- از کثرت اسراف و قید به آرایش به جایی می‌رسد که تهی‌دست می‌شود و بالاخره برای راحت کردن اشتباهی لباس و آرایش، خود را در بلایا و مصائب دیگری که هزاربار بدتر است پرتاب می‌کند» (شریف، ۱۳۰۱: ۳۱). به نظر نویسنده، آن دسته از مردانی که جزء طبقه اشراف هستند، برای حفظ جاه و مقام خود در بزرگ‌منشی و عیاشی، اسراف می‌کنند و آنان که بی‌بضاعت‌اند به فکر فردای خود

نیستند. او معتقد است که زنان برخلاف مردان بیشتر اسراف می‌کنند و هزینه بیشتری را صرف لباس و آرایش می‌کنند، بدون آنکه منبع درآمدی داشته باشند (همان).

«کی مسرف‌تر است» در جواب مقاله پیشین منتشر شده است. نویسنده عقیده دارد که نخست مردان باید اصلاح شوند تا زنان نیز از ایشان الگو بگیرند. از نظر او، «زن آینه افکار مرد است». او اشکال را در مردان می‌بیند و به‌نظرش چون زنان از همان آغاز خیانت و دزدی و اسراف‌کاری دیده‌اند، یک‌شبه نمی‌توانند وطن‌پرست و مآل‌اندیش و صرفه‌جو باشند. دلیل دیگر اسراف زن آن است که به شوهر خود تعلق خاطر ندارد و از ضرری که به مال او وارد می‌شود، متأثر نخواهد شد و به منفعت همسر فکر نمی‌کند (محمودی، ۱۳۰۱: ۳۷).

«محیط زن و مغلوبیت آن» از دیگر مقالاتی است که به موضوع اصلاح اخلاق زنان و اهمیت تحصیل در راستای اصلاح اخلاقی پرداخته است. در آغاز مقاله، اهمیت زن در فرآیند باروری و تولد فرزند و تربیت او مطرح شده و سپس به موضوع عادت و اخلاق زنان پرداخته شده است. به‌نظر نویسنده، زنان عادت خاصی چون لطف و ملایمت، رقت قلب، شفقت و مهربانی، راستی و فداکاری در نهادشان دارند و به نوعی رئیس خانه به‌شمار می‌آیند. «[زن] نمونه‌ای است از اعظم اقتدار عالم وجود و در بسیاری موارد اساس پیشرفت و ترقی شوهر بسته و مرتبط به آن [زن] می‌باشد» («محیط‌زن»، ۱۳۱۴: ۱۷). نویسنده عامل اصلی فسادها و افسردگی‌ها را در بی‌توجهی مردان به زنان و لجاجت و نزاع‌های خانوادگی می‌داند. به‌نظر نویسنده، تا زمانی که محبت میان زن و مرد برقرار باشد، زن از هیچ تلاشی برای آرامش خاطر همسرش فروگذار نمی‌کند. در ادامه مقاله، نویسنده به موضوع اهمیت تحصیلات در اصلاح عادت و اخلاق زنان پرداخته است.

در دسته‌ای از دیگر مقالاتی که درباره حضور اجتماعی زنان است، برخی زن‌ها به‌منزله شخصیت‌های موفق برای الگوبرداری اجتماعی معرفی شده‌اند. در این مقالات، نویسنده به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم تلاش می‌کند تا سبک زندگی این زنان را برای زنان ایرانی ترسیم کند. معمولاً، زنان ژاپنی و انگلیسی دو الگوی مهم برای زنان ایرانی معرفی می‌شوند. در نشریه *زبان زنان*، داستانی با عنوان «محفل دوشیزگان» منتشر شده است که شخصیت‌های آن چند دختر نوجوان هستند. یکی از دختران به نام «فرخ»، همین‌که به خواندن کتاب و کسب دانش روی می‌آورد، از دنیای بی‌خبری خود جدا می‌شود و روشی تازه برای زندگی خود انتخاب می‌کند. نکته درخور توجه در این داستان آن است که «فرخ» برای

دیگر دختران از ژاندارک سخن می‌گویند و او را الگویی مناسب برای دختران ایرانی معرفی می‌کند («محفل دوشیزگان»، ۱۳۰۱).

مقاله «زنان انگلیس» که در سال ۱۳۰۶ در نشریه تقدم منتشر شده است به مقایسه زنان انگلیسی و فرانسوی می‌پردازد و در نهایت به زنان ایرانی توصیه می‌کند که زنان انگلیسی را الگوی خود قرار دهند. به نظر نویسنده، دلیل این‌همه پیشرفت و تعالی انگلیس آن است که زنان ایشان درست تربیت شده‌اند و «به‌خوبی دریافته که پیشرفت هر ملتی بسته به ترقی افراد آن ملت است». نویسنده نتیجه می‌گیرد که در ایران نیز وقت آن رسیده است که به تربیت زنان توجه شود؛ «زیرا همان‌طور که ما پدراهای دانا و باسواد لازم داریم به مادرهای عالم و دانا نیز محتاجیم» (فرامرزی، ۱۳۰۶: ۲۲۲).

در مقاله‌ای با عنوان «زن در ژاپن»، نویسنده به موضوع کارکردن زنان در ژاپن پرداخته و تاریخی اجمالی از وضعیت زنان شاغل در این کشور را ذکر کرده است. از نظر نویسنده، پیش از سال ۱۹۰۰، اگر زنی در ژاپن به کار مشغول بود، جامعه نگاه مثبتی به او نداشت، اما از سال ۱۹۰۰ به بعد، با حضور زنان در عرصه اجتماع، زنان شاغل پذیرفته شدند و رفته‌رفته جایگاه خود را در مشاغل مختلف یافتند (خسروی، ۱۳۰۹: ۲۴-۲۲).

۲.۲. آداب معاشرت

با توجه به حضور روزافزون زنان در عرصه‌های اجتماعی، موضوع آموزش آداب معاشرت از دیگر موضوعاتی است که در نشریات اواخر عصر قاجار و به‌ویژه در دوره پهلوی اول دیده می‌شود؛ البته، در این حوزه، بیشتر به چگونگی برخورد با مهمانان و همسر پرداخته شده و کمتر به معاشرت زنان و مردان توجه شده است.

در سال ۱۳۰۱ در مجله *عالم نسوان*، مقاله‌ای با عنوان «خانه‌داری؛ رفتار سرمیز برای فامیل» منتشر شد که در آن به آداب میزبانی و مهمانی توجه شده است؛ البته، نویسنده زنان و مردان را مخاطب مطالب خود در نظر گرفته است. در این مقاله، نخست به زمان مهمانی‌رفتن و چگونگی نشستن سر میز و آداب غذاخوردن اشاره شده و در ادامه، نکاتی آموزشی درخصوص آداب معاشرت بیان شده است («خانه‌داری»، ۱۳۰۶: ۲۲۲؛ بویس، ۱۳۰۱: ۱۵).

در سال ۱۳۰۴ در نشریه *عالم نسوان* مقاله‌ای با عنوان «آداب معاشرت» از م. جلالی منتشر شده است. در این مقاله، موضوع آداب معاشرت در چهار بخش اتاق پذیرایی، وظیفه صاحب‌خانه، وظیفه مهمان و ترتیب چای بررسی شده است (جلالی، ۱۳۰۴: ۲۱-۲۰).

بیشتر مطالبی که دربارهٔ آداب معاشرت منتشر شده، به چگونگی حضور در مهمانی‌ها اختصاص دارد و کمتر به موضوعات اساسی توجه شده است. البته، در این میان بعضی از مصلحان اجتماعی تلاش می‌کردند سطح بحث‌ها را بالاتر ببرند و به موضوعات اساسی‌تری نیز توجه کنند؛ برای مثال، در نشریهٔ *ایران‌شهر* بخشی از ترجمهٔ کتاب *دانستنی‌های زنان جوان* منتشر شده که موضوع آن افزایش آگاهی اجتماعی زنان است. نویسنده به دختران توصیه می‌کند که پیش از ازدواج حتماً ملاک‌ها و معیارهایی برای خود در نظر داشته باشند. «هر دختر باهوشی باید قبل از اینکه به حد بلوغ برسد، نزد خود فکر کند آیا آن شوهری که در آتیه باید داشته باشد صاحب چه کمالات و اخلاقی باید باشد» (دریک، ۱۳۰۵: ۲۴۱). در ادامه، به دختران گوشزد می‌کند که پیش از ازدواج خوب دقت کنند تا با صفات و اخلاق مرد آشنا شوند و اگر در دورهٔ نامزدی دریافتند که آن مرد برخی صفات پسندیده یا موردنظر دختر را ندارد، «باید خود را فریب بدهید به تصور اینکه پس از ازدواج ممکن است به تدریج صفات حسنه را به او یاد داد یا اینکه بعضی از عادات زشت مضره را از او سلب نمایید» (همان).

۳.۲. آموزش خانه‌داری و تدبیر منزل

موضوع خانه‌داری و تدبیر منزل نیز از دیگر موضوعاتی است که در نشریات این دوره به آن پرداخته می‌شود. در این دورهٔ زمانی، بسیاری از روشنفکران جامعه تلاش می‌کردند تا زنان نیز همچون مردان تحصیل کنند و در امور اجتماعی حضوری پررنگ داشته باشند؛ عده‌ای نیز گمان می‌کردند که با حضور زنان در جامعه، از توجه ایشان به امور خانه و وظایف خانه‌داری و مادری کاسته می‌شود؛ از این رو، مقالات متعددی دربارهٔ اهمیت حضور زن در خانه و انجام وظایف خانه‌داری منتشر کردند.

فن خانه‌داری شامل چگونگی آراستن منزل، مدیریت اقتصادی خانواده، مدیریت مستخدمان و... می‌شد. مقالات این حوزه گاهی به اهمیت این موضوع پرداخته‌اند و گاهی به آموزش امور مرتبط با خانه‌داری.

در نشریهٔ *شکوفه* در مقاله‌ای با عنوان «در آداب تربیت اخلاق دوشیزگان» به موضوع تربیت دختران پیش از ازدواج پرداخته شده است. به نظر نویسنده، دختران باید از دو جنبهٔ امور منزل‌داری و معاشرت با دیگران تربیت شوند.

آنچه متعلق به زندگانی است باید دارا باشد، چه از هنرهای یدی مثل خیاطی، آشپزی، شیرینی‌پزی، شربت‌سازی، مرباپزی... و غیره و چه از رسومات اداره‌داری و معاشرت و مباشرت

و شوهرداری، مریض‌داری، خانه‌داری، خادمه‌داری و مردم‌داری و غیره» («در آداب تربیت»، ۱۳۳۰ق: ۳).

این مقاله به‌صورت کلی به اهمیت تربیت دختران در خانه می‌پردازد. به‌نظر نویسنده، مادر نخستین معلمی است که هر دختری باید از او آموزش ببیند.

در مقاله‌ای با عنوان «دختر خوب کدام است» که در همین نشریه شکوفه منتشر شده است، نویسنده ویژگی‌های دختر خوب را نام می‌برد. در این مقاله، همراهی علم‌آموزی و یادگیری خانه‌داری را از مسائل مهم برای دختران در نظر می‌گیرد. به‌نظر نویسنده، دختر خوب کسی است که با توجه به عقل و دانش خود رفتار کند. «به مدرسه برود و تحصیل علم بکند؛ یعنی علوم لازمه مفیده از قبیل خواندن و نوشتن و مسائل دینی و غیره و غیره را یاد بگیرد و در ضمن از فراگرفتن صنایع یدی هم غفلت نورد» («دخترخوب»، ۱۳۳۱ق: ۳). دیگر ویژگی دختر خوب آن است که کارهای خانه‌داری را به‌خوبی یاد بگیرد. نکته دیگر آنکه باید آگاه باشد که برای زندگی خوب باید علم زندگی را یاد بگیرد. دختر خوب باید صرفه‌جو باشد و «بدون جهت چیزی را ضایع نکند و از نعمت‌های الهی منتفع و بهره‌مند شود» (همان). ادیب‌الممالک فراهانی در مقاله‌ای با عنوان «تدبّر منزل»، که در سال ۱۳۳۳ قمری در نشریه شکوفه منتشر شده است، به موضوع چگونگی خانه‌داری و تربیت فرزندان توجه کرده است. نخست توصیه او آن است که کودکان را به مدرسه نفرستید، مگر در صورتی که طبیب تأیید کند و از نظر او مانعی برای مدرسه‌رفتن فرزندان وجود نداشته باشد تا آسیبی به چشم ایشان وارد نشود. توجه به خواب اطفال و جای غذاخوردن، از دیگر توصیه‌های ادیب‌الممالک است (ادیب‌الممالک، ۱۳۳۳ق: ۴).

در مقاله «برای دختران جوان خانه‌داری و خیاطی» از عادل‌الملوک خلعتبری، اهمیت یادگیری دو فن خانه‌داری و خیاطی برای زنان بیان شده است. نویسنده علت عالم‌شدن زنان را وظیفه آنها در تربیت نسل بعدی می‌داند. «باید قسمت مهمی از اوقات بیکاری مادر صرف پرورش اخلاق خوب و ملکات پسندیده گردد» (خلعتبری، ۱۳۱۱: ۱). به‌نظر نویسنده بهترین هنر برای دختر خیاطی است. اگر دختری به‌تمامی علوم مسلط باشد، اما از هنرهای یدی مخصوصاً خانه‌داری بهره‌ای نبرده باشد، «مثل این است که از هر قسم معلومات قابل استفاده محروم است» (همان). نکته جالب توجه آن است که نویسنده مقاله خود داستان‌نویس و

روزنامه‌نگار بوده و بارها در داستان‌هایش از ظلمی که به واسطه نادانی و عدم تحصیل بر زنان وارد شده است سخن می‌گوید، اما در اینجا یادگیری خانه‌داری را مهم‌ترین علم می‌انگارد.

در نشریه جمعیت *نسوان* در مقاله‌ای با عنوان «زینت اصلی زن خانه‌داری است» از فخرآفاق پارسا، نویسنده معتقد است دختران اروپایی به‌جای توجه فراوان به تحصیل، فن خانه‌داری برایشان اولویت دارد و به این موضوع توجه ویژه‌ای دارند. به‌نظر نویسنده، ایرانیان تربیت خوب را برای دخترانشان تحصیلات و دانستن زبان خارجی می‌دانند و به خانه‌داری و وظایف مادری دختران توجهی ندارند، اما اروپاییان:

دختران خود را تعلیم می‌کنند که چگونه اولاد خود را تربیت نمایند و اگر مریض شوند چگونه پرستاری کنند و به کارهای منزلی از قبیل نظافت و طبخ غذا و اداره کردن منزل و خیاطی برای خود و شوهر و اولاد خود چگونه قیام کنند (پارسا، ۱۳۰۲: ۴۷-۴۸).

به‌نظر نویسنده، دختران ایرانی از این دانش زندگانی بی‌بهره‌اند و فقط به فکر خودآرایی و صحبت کردن به لغت خارجی هستند و برخی از ایشان به‌واسطه تحصیلات به‌قدری تکبر دارند که نمی‌توان با ایشان هم‌کلام شد. او معتقد است:

ما باید اول دختران خود را برای عالم‌شدن و عالم‌نمودن تربیت کنیم... یعنی خانه‌داری به آنها بیاموزیم و آنها را با اخلاق حسنه برای آموختن به اطفال خود متفق نموده سپس به تزئینات دیگر از قبیل معلومات علمی و فنی آنان را آرایش دهیم (پارسا، ۱۳۰۲: ۵۰).

«قانون خانه‌داری» در سال ۱۲۹۹ از نویسنده‌ای نامعلوم در نشریه *عالم نسوان* منتشر شده است. در این مقاله، هدف نویسنده آشناکردن زنان خانه‌دار با موضوع برنامه‌ریزی برای اداره امور خانه است. به‌نظر نویسنده، اگر زنان با دقت و تأمل برنامه‌ای برای خود تهیه کنند، درمی‌یابند که چقدر وقت ایشان کمتر تلف می‌شود و کارهای آنان آسان‌تر صورت می‌پذیرد. «کارهای خانه باید تقسیم شود بین افراد خانواده و مستخدمین آن» (افشار، ۱۲۹۹: ۱۰). نویسنده تأکید دارد که بچه‌ها نیز باید در انجام کارهای خانه با مادر مشارکت داشته باشند و مادر نباید چنین بیندازد که چون به مدرسه می‌روند از انجام کارهای خانه معاف‌اند؛ انجام کارهای خانه بخشی از تربیت ایشان است (همان). از دیگر مقالات این حوزه می‌توان به مقاله «خانه‌داری، بودجه خانواده» (محمودی، ۱۲۹۹: ۱۲) و مقاله «مالیه خانه»، (سمیعان، ۱۳۰۹: ۶۷) و نیز مقاله «خانه‌داری، خانم و خدمتکاران» (بویس، ۱۲۹۹: ۱۵-۱۲) اشاره کرد.

در مقاله «خانه‌داری؛ شرکت مردان در خانه‌داری لازم است» که در نشریه عالم نسوان منتشر شده، نویسنده معتقد است نخست باید خانه‌داری را به مردان آموخت: زیرا اگر ایشان درصدد همراهی و مساعدت با زنان برنمایند، چگونه می‌توانند خانه خود را مرتب و لوازمات آن را مهیا کنند... [فقط حسن مراقبت زن برای خانه‌داری کافی نیست، بلکه مرد و زن باید با نهایت انفاق و محبت در امورات داخلی و ترتیب خانه‌داری به یکدیگر کمک و مساعدت کنند (محمودی، ۱۳۰۰: ۱۱).

صادق بروجردی نیز در شعری که در نشریه جمعیت نسوان وطن‌خواه منتشر کرده است، به مردسالاری موجود در جامعه معترض است و اعتقاد دارد زن و مرد باید با هم همکاری کنند.

به خلقت بشری زن چو مرد آزاد است	مکن دریغ که آزادی‌اش خداداد است
تفاوتی نبود بر بشر چه مرد و چه زن	برای آدم و حوا عزیز اولاد است...
زنی که عالمه باشد به پیش مرد جهول	اگر که مرد بود هفت زن چو هفتاد است
نبود اندر زن و مرد شرکت اندر کار	به سرزمین خرابی که حال آباد است
به کشوری که بود نام نامی‌اش ایران	تعجب است که زن صید مرد صیاد است
زن است آسیه مانند و رستم شب و روز	ولیک مرد چون فرعون و همجو شداد است
نموده‌اند اسیر و ذلیل و بی‌دانش	زنی که اشرف مخلوق و آدمیزاد است...

(بروجردی، ۱۳۰۲: ۲۵)

در بعضی از نشریات نیز به آموزش موضوعات عملی در زمینه خانه‌داری پرداخته شده است. از آن میان می‌توان به مقاله‌ای اشاره کرد که به موضوعاتی همچون نگاه‌داری روغن و شیر یا دستور نگاه‌داری سیب‌زمینی، پاک‌کردن طلا و نقره و همچنین چگونگی دفع مگس و زنبور» می‌پردازد («دستور خانه‌داری»، ۱۳۱۲: ۲۵-۲۷). در مقاله‌ای دیگر، چگونگی تمیزکردن لوله چراغ، سفیدکردن مس و مواردی این‌چنینی آموزش داده می‌شود (کسمایی، سال ۱۳۴۰ ق: ۱۰۶-۱۰۸).

۴.۴. آموزش سلامت جسمانی

توجه به سلامت جسمانی و بهداشت فردی از دیگر مواردی است که در نشریات به آن توجه شده است. سلامت جسمانی برای زنان به دو بخش سلامت جسمانی خود و سلامت جسمانی اطفال تقسیم می‌شود. در هر دو بخش، نویسندگان مطالب گوناگونی درباره چگونگی مراقبت از خود در برابر بیماری‌های زنانه، مراقبت از خود در دوره بارداری و چگونگی مراقبت از اطفال را بیان کرده‌اند. به سبب آنکه بخش زیادی از این مقالات از نظر موضوع تکراری هستند، به چند نمونه بسنده می‌شود.

مقاله «حفظ‌الصحه» که در نشریه شکوفه منتشر شده است، به موضوع حفظ سلامتی به‌منزله یکی از اصول مهم زندگی پرداخته است. به‌نظر نویسنده، زنان به‌سبب آنکه شغلی ندارند و فقط به‌دنبال خواب و خوراک هستند، جسمی سلامت ندارند. «چرا خانم این قسم است برای اینکه کار ندارد، شغل ندارد و می‌خورد و می‌خوابد کار و رفتارش این است که گاهی برود لب آئینه خودش را تماشا کند» («حفظ‌الصحه»، ۱۳۳۳ق: ۳). کارکردن زنان در خانه سبب می‌شود که هم زنان تحرک داشته باشند و هم مراقب امور منزل باشند و از دزدی‌های خدمه جلوگیری کنند. خدمه درمی‌یابند که خانم خانه هوشیار است و دیگر از لوازم منزل دزدی نمی‌کنند (همان). از دیگر مقالات این حوزه می‌توان به مقاله «دستور پرستاری و تربیت اطفال» (افشار، ۱۳۹۹: ۷)، مقاله «امراض زنانه» (نلیگان، ۱۳۰۱: ۱۱)، مقاله «لزوم ورزش» (خواجه‌نوری، ۱۳۰۲: ۵۱)، و نیز مقاله «چگونه طفل را تربیت کنیم» (پاکدل، ۱۳۱۱: ۴۰) اشاره کرد.

مقاله «جذابیت زن» در سال ۱۳۱۴ به موضوع زیبایی زنان پرداخته است. نویسنده ویژگی دختران جذاب را «گلگون‌گونه، خوش‌اندام و دارای چهره‌ باز و فکری روشن» دانسته و گفته زنان باید «برای کلیه کسانی که در گرد و بر آنها وجود دارند بدون تکلف و ساختگی سرچشمه خوشی و خوش‌بختی و شادمانی باشند» («جذابیت زن»، ۱۳۱۴: ۳۴۹). به‌نظر نویسنده، خوشبختی دختران در آن است که طرز صحیح فکرکردن و تغذیه جسم را بدانند و به ایشان توصیه می‌کند که استراحت کافی داشته باشند، آب کافی بنوشند، میوه و سبزیجات تازه به‌اندازه مصرف کنند تا پوستی شاداب و بدنی سالم و قوی داشته باشند و همچنین از افکار و خیالات هراسناک، و خواندن مطالب متأثرکننده و هر چیزی که مایه آلام روحی شود خودداری کنند (همان).

۵.۲. مد و لباس

لباس و نوع پوشش از موضوعاتی است که در نشریات زنانه و عمومی به آن توجه شده است. البته، نوع مقالات مربوط به مد و لباس نیز جالب‌توجه است. برخی از این مقالات موضوع چگونگی پوشش زنان را دربرمی‌گیرد و درباره چگونگی پوشش و نوع رفتار زنان در هنگام انتخاب لباس مناسب است و برخی از دیگر مقالات به‌صورت عملی الگوهایی برای پوشش در اختیار بانوان قرار می‌دهد.

مقاله «یک اندازه فقر و فلاکت ایران به‌واسطه خانم‌های ایرانی است» (۱۳۳۲ق: ۳) منتشر شده و به موضوع پوشش و آرایش زنان ایرانی پرداخته است. به‌نظر نویسنده، زنان ایرانی برای

آراستن خود و پوشیدن لباس‌های فاخر نیازمند منسوجات خارجی نیستند و باید کالای ایرانی مصرف کنند؛ «هرچقدر از ثروشان در این موضوع مصرف شود از وطن خودشان خارج نمی‌شود و بالاخره اسباب ترقی کارخانجات و ثروت عمومی خودشان خواهد شد».

مقاله «طرز لباس» نیز به موضوع نوع پوشش زنان ایرانی پرداخته است. در آغاز مقاله، نویسنده تاریخچه‌ای کلی از پوشش در مصر و ایران باستان آورده و به نظرش لباس‌های ایرانی قدیم از بهترین پارچه‌ها با تزئینات بسیار زیبا دوخته می‌شده که رفته‌رفته این روش به اروپا نیز وارد شده است و آنان این هنر را تکمیل کرده‌اند. نویسنده تأکید می‌کند که ما نباید در پوشش از اروپا الگوبرداری کنیم. ما ملت فقیری هستیم و «حتی‌الامکان باید از ضروریات تفننی خود بکاهیم، و اهتمام و کوشش قوا و سرمایه خود را صرف احتیاجات و لوازم اولیه خود نماییم» («طرز لباس»، ۱۲۹۹: ۱۸).

مقاله «طرز لباس، صرفه‌جویی در لباس» در سال ۱۲۹۹ در نشریه *عالم‌نسوان* منتشر شده و اهمیت صرفه‌جویی در خرید لباس را مطرح کرده است. در آغاز این مقاله، نویسنده به موضوع چگونگی پیشرفت دولت‌های اروپایی به‌صورت خلاصه پرداخته است. سپس موضوع صرفه‌جویی را به‌منزله یکی از عوامل پیشرفت مطرح کرده است. به‌نظر او «هرقدر سرمایه بیشتر باشد کار بهتر پیشرفت خواهد نمود» («طرز لباس»، ۱۲۹۹: ۱۹). از دیگر مقالات این حوزه می‌توان به سلسله مقالاتی تحت عنوان «طرز لباس» اشاره کرد که در سال ۱۳۰۱ در نشریه *عالم‌نسوان* منتشر شده و لباس‌های مناسب فصل یا مدهای اروپایی را معرفی می‌کند و دستورالعمل‌هایی درباره نوع پوشش ارائه می‌دهد (وایشم، ۱۳۰۱: ۲۷؛ زرغامی، ۱۳۰۱: ۲۷؛ یانک، ۱۳۰۱: ۱۷). مقاله «خان-خانم» که در سال ۱۳۱۴ در نشریه *پیمان* منتشر شده نیز به موضوع شیوه نادرست زنان در آراستن خود و چگونگی پوشش ایشان می‌پردازد (همان).

۶. نتیجه‌گیری

سبک زندگی از موضوعات بسیار مهم در مطالعات اجتماعی است و در هر دوره‌ای به فراخور اوضاع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژیک سبکی خاص و طرزی تازه از سوی دولت یا گروه‌های خاص ارائه می‌شود. از اواخر قرن گذشته و هم‌زمان با افول سلسله قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی و به تناسب افزایش روابط ایران و کشورهای غربی، موضوع توجه به سبک زندگی زنان در نشریات و محافل اجتماعی و ادبی مورد توجه قرار گرفت و مطالب آموزشی درباره موضوعاتی همچون زندگی اجتماعی، آداب معاشرت، اصول خانه‌داری، سلامت جسمانی و طرز پوشش به فراوانی در نشریات آن دوره منتشر شد.

بیان دیدگاه‌ها درباره زندگی اجتماعی زنان بخش گسترده‌ای از مقالات منتشر شده را به خود اختصاص می‌دهد. در این بخش هدف نویسندگان آگاهی‌بخشی به زنان است. آنها قصد دارند تا به زنان بیاموزند که چه حقوقی دارند و باید برای دستیابی به آن تلاش کنند. موضوع حق تحصیل زنان در بیشتر نشریات مطرح شده است. این موضوع از دو جهت دارای اهمیت است: گروهی معتقد بودند که زنان باید درس بخوانند تا بتوانند سهمی در ترقی کشور داشته باشند. گروه دوم تحصیل زنان را کمکی برای بهتر انجام دادن نقش مادری می‌دانستند و به نظرشان مادران تحصیل کرده فرزندان بهتری می‌توانند برای پیشرفت کشور تربیت کنند. بخشی دیگر از مقالات اجتماعی در پی ارائه الگوهای مناسب اجتماعی و رفتاری برای زنان است. نویسندگان این دسته از مقالات زنان اروپایی را الگویی مناسب برای زن ایرانی می‌پنداشتند و سعی می‌کردند تا رفتار ایشان را به منزله سرمشقی برای دیگران عرضه کنند. در باب آموزش آداب معاشرت، توصیه‌های مختلفی در خصوص چگونگی حضور زنان در محیط‌های اجتماعی و خانوادگی ارائه شده است. در تمام مطالب منتشر شده در این زمینه بر دو موضوع همواره تأکید شده است: نخست، رعایت ادب و رفتار مؤدبانه و دیگر پرهیز از هر امری که مایه فساد شود.

آموزش مسائل مرتبط با خانه‌داری یا تدبیر منزل نیز از دیگر موضوعاتی است که در نشریات فراوان به آن پرداخته شده است. نویسندگان این گونه مقالات، خانه‌داری را از وظایف اصلی زنان می‌دانسته‌اند و یادگیری اصول آن را بسیار مهم می‌شمردند. موضوع خانه‌داری، بسته به آنکه کدام گروه یا تفکر درباره‌اش سخن بگوید، ماهیتی متفاوت داشت. عده‌ای خانه‌داری و تدبیر

منزل را برای زنان از امور واجب می‌دیدند، اما یگانه وظیفه زن را یادگیری چنین اموری نمی‌پنداشتند، بلکه تحصیل زنان را نیز بسیار ضروری می‌دانستند. در مقابل ایشان، گروهی از مصلحان اجتماعی یگانه وظیفه زن را خانه‌داری می‌دانستند. به نظر ایشان، زنان جز فن خانه‌داری یا چیزهایی که مربوط به امور زندگی باشد، مانند خیاطی و بچه‌داری و شیرینی‌پزی، نباید چیز دیگری بیاموزند. نکته جالب توجه آن است که این بیشتر موضع نویسندگان زن است.

آموزش مسائل بهداشتی و بیان مطالبی درباره سلامت مادران و کودکان از دیگر موضوعات تعلیمی است که در نظریات این دوره دیده می‌شود. نویسندگان این مقالات سعی کرده‌اند تا زنان را با انواع امراض زنانه، مراقبت‌های دوره بارداری و پس از بارداری آشنا کنند. هدف ایشان در نگاه نخست مراقب جسمانی از زنان است، اما به صورت کلی رشد و تعالی جامعه برای آنان مهم است. در باب بهداشت کودکان نیز توصیه‌های پزشکی مختلفی بیان شده که هدف آن داشتن فرزندان سالم و نیز کاستن از هزینه‌های درمانی است.

در بخش مد و لباس نیز مقالات به دو گروه تقسیم می‌شود: بخشی از مقالات درباره چگونگی پوشش زنان ایرانی و الگوبرداری ایشان از زنان غربی است. به نظر نویسندگان، الگوبرداری از زنان غربی سبب بروز اسراف در جامعه شده است. بخشی از این مقالات نیز درباره ارائه الگوهای لباس است که بیشتر تحت تأثیر مدل‌های غربی، به جنس و رنگ لباس‌ها نیز پرداخته شده است. نکته جالب توجه آن است که مباحث نظری طرح شده در این گونه مقالات در بیشتر موارد با نمونه‌های عملی در تضاد است.

در یک نگاه کلی با بررسی مطالبی که درباره سبک زندگی در نشریات اواخر عصر قاجار و دوران پهلوی اول منتشر شده است می‌توان به این نتیجه رسید که حرکت به سمت‌وسوی تجدد و مدرنیزاسیون در عرصه‌های مختلف تبلیغ شده است و الگوهای غربی به عنوان نمونه‌های برتر سبک زندگی برای جامعه ایرانی معرفی گردیده است؛ هرچند در پاره‌ای از موارد، این الگوها سنخیت چندانی با سبک زندگی ایرانیان و فرهنگ جامعه ایرانی ندارد. نکته دیگر آنکه گویی فقط زنان باید در زمینه فراگیری سبک زندگی آموزش ببینند و مردان بی‌نیاز از این گونه آموزش‌ها هستند و این امر برخاسته از دیدگاه‌های فرهنگی حاکم بر جامعه ایران در آن روزگار است.

منابع

آقاخانلو (۱۳۱۴). خان-خانم. پیمان. سال دوم. شماره ۱۰: ۶۱۴-۶۱۶.

- ادیب‌الممالک (۱۳۳۳ق). تدبیر منزل. شکوفه. سال سوم. شماره ۱: ۴.
- افشار، سریه‌خانم میرزاساخان (۱۲۹۹). دستور پرستاری و تربیت اطفال؛ توجهات لازمه در اوقات حمل. *عالم نسوان*. سال اول. شماره ۱: ۷-۹.
- امیری خراسانی، احمد و همکاران (۱۳۹۶). تدبیر منزل در اخلاق ناصری و اخلاق جلالی. *ادب و زبان*. شماره ۴۲: ۱-۳۱.
- اندرز به خانم‌های خانه‌دار (۱۳۱۴). مهرگان. سال اول. شماره ۱۴: ۵.
- ایرانی نجیب - ایرانی شریر (۱۳۰۱). *زبان زنان*. سال چهارم. شماره ۴ و ۱۹-۲۲.
- بروجردی، صادق (۱۳۰۲). ابیات راجع به نسوان. *جمعیت نسوان وطن‌خواه*. سال اول. شماره ۱: ۲۵.
- پ. ن. (۱۲۹۹). ای مرغک. *عالم نسوان*. سال اول. شماره ۲: ۲۵.
- پارسا، فخرآفاق (۱۳۰۲). زینت اصلی زن خانه‌داری است. *جمعیت نسوان*. سال اول. شماره ۵ و ۶: ۴۵-۵۰.
- پاکدل (۱۳۱۱). چگونه طفلم را تربیت کنم. *دختران/ایران*. سال اول. شماره ۱: ۴۰.
- پژوهی، جعفر ر. (۱۳۰۸). اساس ترقی نسوان. *عالم نسوان*. سال دهم. شماره ۲: ۵۷-۵۹.
- پوزشی، میرزامحمودخان (۱۳۱۲). شوهر یا کار، کدام‌یک برای زنان واجب‌تر است؟ *آینده/ایران*. سال چهارم. شماره ۱ و ۲: ۷.
- تبریزی، اشرف (۱۳۴۰ق). مسئولیت مردها در تربیت زنان. *ایران‌شهر*. سال اول. شماره ۱۲: ۳۷۵-۳۷۰.
- جاوید، اسماعیل (۱۳۱۱). به دختران ایران. *دختران/ایران*. سال اول. شماره ۳: ۷-۱۳.
- جذابیت زن (۱۳۱۴). ترجمه ا. باختر. سال دوم. شماره ۴ و ۵: ۳۴۸-۳۵۱.
- جلالی، م. (۱۳۰۴). آداب معاشرت. *عالم نسوان*. سال ششم. شماره ۲: ۱۸-۲۳.
- چگونه طفلم را تربیت کنم (۱۳۱۱). *دختران/ایران*. سال اول. شماره ۶: ۴۰-۴۲.
- چنگیزی، دلشاد (۱۳۰۰). مناظره. *عالم نسوان*. سال دوم. شماره ۱.
- حاجی آقابابایی، محمد رضا؛ صالحی، نرگس (۱۳۹۸). بررسی آموزه‌های تعلیمی در نخستین مطبوعات تخصصی زنان. *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*. شماره ۴۳: ۸۴-۵۷.
- حفظ‌الصحة اطفال (۱۳۲۸ق.). دانش. سال اول. شماره ۱: ۲-۳.
- حفظ‌الصحة و ترتیب زندگی (۱۳۳۳ق.). شکوفه. سال سوم. شماره ۱: ۲-۳.
- خانه‌داری و شوهرداری (۱۳۲۸ق.). دانش. سال اول. شماره ۱: ۴-۶.
- خانه‌داری (۱۳۴۰ق.). *جهان زنان*. سال اول. شماره ۵: ۱۰۶-۱۰۸.
- خسروی، عبدالله (۱۳۰۹). زن در ژاپن. *آرمان*. سال اول. شماره ۱: ۲۲-۲۴.
- خلعتبری، عادل‌الملوک (۱۳۱۱). برای دختران جوان خانه‌داری و خیاطی. *آینده/ایران*. سال دوم. شماره ۶۷: ۱.

- خواجه‌نوری، عفت‌الملوک (۱۳۰۲). لزوم ورزش. جمعیت نسوان. سال اول. شماره ۵ و ۶: ۵۰-۵۲.
- دختر خوب کدام است (۱۳۳۱ق). شکوفه. سال اول. شماره ۱: ۳.
- در آداب تربیت اخلاق دوشیزگان (۱۳۳۰ق). شکوفه. سال اول. شماره ۱: ۳.
- دریک، ا. اف (۱۳۰۵). دانستنی‌های زنان جوان. ترجمه ذبیح‌الله قربان. ایرانشهر. سال چهارم. شماره ۴: ۲۴۱.
- دستور خانه‌داری (۱۳۱۲). نامه مصور اقبال. سال هفدهم. شماره اول: ۲۵-۲۷.
- رستمی، پروین؛ ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۸). اجتماعی‌شدن زنان در عصر پهلوی اول؛ امکان یا امتناع. تاریخ ایران. شماره ۱: ۱۷-۴۷.
- رفت‌زاده، مریم (۱۳۴۰ق). لزوم تعلیم زنان. جهان زنان. سال اول. شماره ۵: ۹۳-۹۷.
- زن خوب کدام است (۱۳۳۳ق). شکوفه. سال سوم. شماره ۱۵: ۴.
- سایکز، الاس (۱۳۰۹). زیر چادر. آرمان. سال اول. شماره ۲: ۶۷-۷۱.
- سرگذشت نوشی (۱۳۰۲ ب). عالم نسوان. سال چهارم. شماره ۱: ۳۰.
- سمیعیان (۱۳۰۸). خانه‌داری. عالم نسوان. سال دهم. شماره ۲: ۸۲-۸۶.
- سمیعیان (۱۳۰۹). مالیه خانه. عالم نسوان. سال یازدهم. شماره ۲: ۶۶-۶۸.
- سمیعیان (۱۳۱۰). اقمشه و لباس. عالم نسوان. سال دوازدهم. شماره ۱: ۲۶-۲۹.
- سیاوشی، مهدی؛ زیویار، فرهاد (۱۳۹۵). تأثیر سیاست‌های فرهنگی پهلوی بر بروز بحران هویت زن ایرانی (با تکیه بر نظریه تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان). زنان و خانواده. سال یازدهم. شماره ۳۶: ۷-۳۲.
- شریف، علی‌اصغر (۱۳۰۱). اسراف. عالم نسوان. سال سوم. شماره ۳: ۳۰-۳۲.
- شیخ‌الرئیس (۱۲۹۹). رباعی. نامه بانوان. سال اول. شماره ۱: ۴.
- صادقی، افشار (۱۳۱۰). مشاغل نسوان. عالم نسوان. سال دوازدهم. شماره ۱: ۲۹-۳۱.
- صرفه‌جویی در لباس (۱۲۹۹). عالم نسوان. سال ۱. شماره ۲: ۱۸-۲۲.
- طرز لباس (۱۲۹۹). عالم نسوان. سال اول. شماره ۱: ۱۷-۱۹.
- عباسی، سمیه؛ موسوی، منصور (۱۳۹۳). نگاهی به موقعیت زنان ایران در دوره پهلوی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ ش. پژوهشنامه زنان. شماره ۱: ۵۹-۸۲.
- فرامرزی، احمد (۱۳۰۶). زنان انگلیس. تقدم. سال اول. شماره ۴: ۲۱۹-۲۲۵.
- قانون خانه‌داری (۱۲۹۹). عالم نسوان. سال اول. شماره ۱: ۱۰-۱۲.
- کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۳۰۴). ایرانشهر. ایرانشهر. سال سوم. شماره ۷: ۴۲۶-۴۲۹.
- کاظم‌زاده، ایرانشهر، حسین (۱۳۴۰ق). ادبیات. ایرانشهر. سال اول. شماره ۱: ۴-۵.
- کسروی، سیداحمد (۱۳۱۲). مادران و خواهران ما: خدا زنان را برای کارهایی آفریده و مردان را برای کارهایی. پیمان. سال اول. شماره ۳: ۲۱-۲۲.

کسروی، سیداحمد (۱۳۱۲). مادران و خواهران ما: زنان اگر نیک‌اند از ماندن و اگر بدند از ماندن. پیمان. سال اول. شماره ۱: ۱۳-۱۴.

کسروی، سیداحمد (۱۳۱۲). مادران و خواهران ما: شگفتا از کسانی که برای زنان و دختران خود رمان‌های عاشقانه می‌خرند یا آنان را شیفته سینما و تیاتر ساخته لرزه بر بنیاد پاکدامنی ایشان می‌اندازند. پیمان. سال اول. شماره ۶: ۱۴-۱۵.

کسمایی، شمس (۱۳۴۰ ق). نسون مسلمان شده. جهان زنان. سال اول. شماره ۵: ۹۲ لزوم ازدواج و تربیت زنان (۱۳۰۵). عنقا. سال اول. شماره ۷ و ۸: ۱۰۹-۱۱۳.

محفل دوشیزگان (۱۳۰۱). زبان زنان. سال چهارم. شماره ۳.

محمودی، م. م. (۱۲۹۹). خانه‌داری، بودجه، خانواده. عالم نسون. سال اول. شماره ۲: ۱۱-۱۵.

محمودی، م. م. (۱۳۰۰). خانه‌داری؛ شرکت مردان در خانه‌داری لازم است. عالم نسون. سال اول. شماره ۶: ۱۱-۱۶.

محمودی، م. م. (۱۳۰۱). خانه‌داری؛ عجیب‌ترین غذای طبیعت. عالم نسون. سال سوم. شماره ۴: ۲۱-۲۶.

محمودی، هما (۱۳۰۱). کی مصرف‌تر است! عالم نسون. سال سوم. شماره ۴: ۳۵-۳۸.

محیط زن و مغلوبیت آن (۱۳۱۴). ترجمه م. ر. هزاره. مهرگان. سال اول. شماره ۵: ۱۷-۱۹.

میردامادی، فرزانه (۱۲۹۹). بیدار شوید. عالم نسون. سال اول. شماره ۴: ۳۵.

میسی یانک (۱۳۰۱). طرز لباس؛ مد پاییز. ترجمه طوبی ضرغامی. عالم نسون. سال سوم. شماره ۱: ۱۶-۱۸.

میسیز بویس (۱۲۹۹). خانه‌داری؛ خانم و خدمتکاران. ترجمه م. م. محمودی. عالم نسون. سال اول. شماره ۳: ۱۲-۱۷.

میسیز بویس (۱۳۰۱). خانه‌داری؛ رفتار سرمیز برای فامیل. عالم نسون. سال سوم. شماره ۳: ۱۴-۱۶.

میکده، مهلقا (۱۳۰۶). علم و اخلاق در مدرسه دخترانه. آئینده. سال دوم. شماره ۷: ۵۵۳-۵۵۶.

نشاط، نصرت‌الملوک (۱۳۰۷). وطن‌پرستی برای زنان اول وظیفه است. اخوت. سال اول. شماره ۳: ۲۱-۲۰.

نلیگان، ا. ر. (۱۳۰۱). امراض زنانه و اطفال. ترجمه احمد صمیمی. عالم نسون. سال سوم. شماره ۴: ۱۲-۱۰.

وادسورت، روت (۱۳۰۹ و ۱۳۱۰). زن محبوب. ترجمه م. جلالی. عالم نسون. سال یازدهم و دوازدهم. شماره ۲: ۵۱-۵۷ و شماره ۱: ۴۱-۳۵.

وایشم (۱۳۰۱). طرز لباس. ترجمه طوبی ضرغامی. عالم نسون. سال سوم. شماره ۴: ۲۶-۲۷.

یک اندازه فقر و فلاکت ایران به واسطه خانم‌های ایرانی است (۱۳۳۲ ق). شکوفه. سال اول. شماره ۲۱: ۳-۴.

^۱ در عنوان مقاله به‌جای مسرف، مصرف نوشته شده است.

References in Persian

- Āqākhānlu (1935). Khān-Kānom. *Peymān*, 2nd year. No. 10: 614-616. [In Persian]
- Abbāsi, Somayyeh; Mousavi, Mansour (2013). The Status of Iranian Women during the Pahlavi Regime (from 1921 to 1953). *Women's studies*. No. 1: 59-82. [In Persian]
- Adib al-Mamalek (1914). Tadbir-e manzel (housekeeping), *Shokoufeh*, 3rd year. Number 1: 4. [In Persian]
- Advice to housewives. (1935). *Mehregān*, 1st year. Number 14: 5. [In Persian]
- Afshār, Sarye Khānom Mirzā Rezākhān (1920). Instruction of nursing and education of children; Necessary considerations during pregnancy. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 1st year. No. 1: 9-7. [In Persian]
- Amiri Khorāsāni, Ahmad et al. (2016). Domestic Management (Ethics and Economy) in “Akhlāq-e Nāseri” (Nāsirean Ethics), and “Akhlāq-e Jalāli” (Jalāli Ethics), *Journal of Prose Studies in Persian Literature*, Kermān University. No. 42: 1-31. [In Persian]
- A part of Iran's poverty and misery is due to Iranian women. (1913). *Shokoufeh*. 1st year. No. 21: 3-4. [In Persian]
- Attractiveness of a woman (1935). Translated by A. *Bākhtar*. 2nd year. No. 4 and 5: 348-351. [In Persian]
- Boroujerdi, Sādegh (1923). Abyāt rāje be nesvān (Verses about women). *Jamiat-e nesvān-e vatankhāh* (Patriotic female association). 1st year. No. 1. 25 [In Persian]
- Changizi, Delshād (1921). Debate. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 2nd year. Number 1. [In Persian]
- Children's health care. (1910). *Dānesh* (Knowledge). 1st year. Number 1: 2-3. [In Persian]
- Drake, A. F (1926). Qualifications for young women. Translated by Zabihullah Qurban. *Iranshahr*. 4th year. No. 4. 241 [In Persian]
- Dress style (1920). Frugality in clothes. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 1st year. Number 2: 18-22. [In Persian]
- Dress style (1920). *Ālam-e Nesvān* (world of women). 1st year. Number 1: 17-19. [In Persian]
- Farāmarzi, Ahmad (1927). English women. *Taqaddom* (Precedence). 1st year. No. 4: 219-225. [In Persian]

- Hāji Āqābābāyi, Mohammad Rezā; Sālehi, Narges (2018). Examining educational teachings in the first women's specialized Journals. *Didactic Literature Review*. No. 43: 84-57. [In Persian]
- Health care and order of life (1914). *Shokoufhe*. 3rd year. Number 1: 2-3. [In Persian]
- Housekeeping and husbandry. (1910). *Dānesh* (Knowledge). 1st year. No. 1: 4-6. [In Persian]
- Housekeeping (1921). *The world of women*. 1st year. No. 5: 106-108. [In Persian]
- Housekeeping instructions. (1933). *Nāmeḥ-ye Mosavvar-e Iqbāl*. Year 17. First issue: 25-27. [In Persian]
- Housekeeping rules. (1920). *Ālam-e Nesvān* (world of women). 1st year. No. 1: 10-12. [In Persian]
- How to raise my child (1932). *Iranian girls*. 1st year. No. 6: 40-42. [In Persian]
- In the moral education of virgins. (1911). *Shokoufeh*. 1st year. Number 1: 3. [In Persian]
- Jāvid, Ismail (1932). To the girls of Iran. *Iranian girls*. 1st year. Number 3: 7-13. [In Persian]
- Jalāli, M. (1925). Etiquette. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 6th year, Number 2: 18-23. [In Persian]
- Khosravi, Abdullāh (1930). Woman in Japan. *Ārmān*. 1st year. Number 1: 22-24. [In Persian]
- Khalatbari, Ādel al-Moluk (1932). Housekeeping and sewing for young girls. *The future of Iran*. 2nd year. Number 67: 1. [In Persian]
- Khāwjeh Nouri, Effat al-Moluk (1923). The importance of exercise. *Female association*. 1st year. No. 5 and 6: 50-52. [In Persian]
- Kāzemzādeh, Irānshahr, Hossein (1921). "Literature". *Irānshahr*. 1st year. Number 1: 4-5. [In Persian]
- Kāzemzādeh Irānshahr, Hossein (1925). Irānshahr. *Irānshahr*. 3rd year. No. 7: 426-429. [In Persian]
- Kasravi, Seyed Ahmad (1933). Our mothers and sisters: God created women for certain tasks and men for certain tasks. *Peymān*, 1st year. Number 3: 21-22. [In Persian]
- Kasravi, Seyed Ahmad (1933). Our mothers and sisters: If women are good, they belong to us, and if they are bad, they belong to us. *Peymān*, 1st year. Number 1: 13-14. [In Persian]

- Kasravi, Seyed Ahmad (1933). Our mothers and sisters: I am surprised by those who buy romantic novels for their wives and daughters or make them fall in love with movies and theaters. *Peymān*, 1st year. Number 6: 14-15. [In Persian]
- Kasmāyi, Shams (1921). A Muslim woman. *The world of women*. 1st year. No. 5. 92 [In Persian]
- Maiden's party (1922). *Women's language*, 4th year. Number 3. pp.?? [In Persian]
- Mahmoudi, M. M. (1920). Housekeeping, budget, family. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 1st year. Number 2: 11-15 [In Persian]
- Mahmoudi, M. M. (1921). Housekeeping; Men's participation in housekeeping is necessary. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 1st year. Number 6: 11-16. [In Persian]
- Mahmoudi, M. M. (1922). Housekeeping; The strangest food of nature. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 3rd year. Number 4: 21-26. [In Persian]
- Mahmoudi, Homā (1922). Who is more spendthrift! *Ālam-e Nesvān* (world of women). 3rd year. No. 4: 35-38. [In Persian]
- Mirdāmādi, Farzān (1920). wake up. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 1rd year. No. 4. 35 [In Persian]
- Miss Yank (1922). clothing style; Autumn fashion. Translation by Tubā Zarqāmi. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 3rd year. Number 1: 16-18. [In Persian]
- Mrs. Boyce (1920). Housekeeping; Lady and servants. Translated by M. M. Mahmoudi. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 1rd year. Number 3: 12-17. [In Persian]
- Mrs. Boyce (1922). Housekeeping; Good behavior on the table for the family. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 3rd year. Number 3: 14-16. [In Persian]
- Meykadeh, Mahlaqā (1927). Science and ethics in girls' school. The future. 2nd year. No. 7: 553-556. [In Persian]
- Neshāt, Nusrat al-Moluk (1928). Patriotism is the first duty for women. *Okhovvat* (Brotherhood). 1st year. Number 3: 21-20. [In Persian]
- Nelligan, A. R. (1922). Gynecological and pediatric diseases. Translated by Ahmad Samimi. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 3rd year. Number 4: 10-12. [In Persian]
- Noble Iranian-Evil Iranian. (1922). *Zabān-e zanān* (The language of women). 4th year. No. 4 and 5 19-22. [In Persian]

- Pārsā, Fakhr Āfāq (1923). The main adornment of a wife is housekeeping. *Female association*. 1st year. No. 5 and 6: 45-50. [In Persian]
- Pākdel (1932). How to raise my child. *Iranian girls*. Year 1. Number 1: 40 [In Persian]
- Pajouhi, Jafar R. (1929). The basis of women's development. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 10th year No. 2: 57-59. [In Persian]
- P. N. (1920). Ey Morqak (Oh bird), *Ālam-e Nesvān* (world of women). 1st year. No. 2. 25 [In Persian]
- Pouzeshi, Mirzā Mahmoudkhān (1933). Husband or job? which one is more obligatory for women? *The future of Iran*. 4th year. Number 1 and 2: 7. [In Persian]
- Rafatzādeh, Maryam (1921). The importance women's education. *The world of women*. 1st year. No. 5: 93-97. [In Persian]
- Rostami, Parvin; Sawaqib, Jahanbakhsh (2018). The Socialization of women in the Pahlavi era, Possibility or refusal (1925- 1953), *Journal of Iran History*, No. 1: 17-47. [In Persian]
- Sykes, Alas (1930). under the tent. *Ārmān*. 1st year. No. 2: 67-71. [In Persian]
- Life of Noushi (1923). *Ālam-e Nesvān* (world of women). 4th year. No. 1. 30 [In Persian]
- Samieeyān (1929). Housekeeping. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 10th year No. 2: 82-86. [In Persian]
- Samiyān (1930). Mālieh-ye khāneh (Householde expences). *Ālam-e Nesvān* (world of women). 11th year No. 2: 66-68 [In Persian]
- Samiyān (1931). Cloth and clothes. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 12th year Number 1: 26-29. [In Persian]
- Siāvoshi, Mehdi; Zivyār, Farhād (2015). The effect of Pahlavi cultural policies on the emergence of Iranian women's identity crisis. *The Women and Families*. 11th year No. 36: 7-32. [In Persian]
- Sharif, Ali Asqar (1922). Profusion. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 3th year. No. 3: 30-32. [In Persian]
- Sheikh al-Raees (1920). Robāee (Quartet). *Women's Book*. 1st year. Number 1. 4 [In Persian]
- Sādeghi, Afshār (1931). Women's jobs. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 12th year. Number 1: 29-31. [In Persian]
- Tabrizi, Ashraf (1921). The responsibility of men in raising women. *Irānshahr*, 1st year. No. 12: 370-375. [In Persian]
- The necessity of marriage and education of women. (1926). *Anqā*. 1st year. No. 7 and 8: 109-113. [In Persian]

- Wadsworth, Ruth (1931&1932). Beloved woman. Translated by M. Jalāli. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 11th&12th year. Number 2: 51-57. / 41-35 [In Persian]
- Waysham (1922). Dress style. Translation by Tubā Zarqāmi. *Ālam-e Nesvān* (world of women). 3rd year. Number 4: 26-27. [In Persian]
- What is a good woman? (1914). *Shokoufeh*. 3rd year. Number 15: 4. [In Persian]
- Who is the good girl? (1912). *Shokoufeh*. 1st year. Number 1: 3. [In Persian]
- Women's environment and its defeat. (1935). Translated by M. R. Hezāreh. *Mehregān*. 1st year. Number 5: 17-19. [In Persian]